

سال دوم

جلسه ۷۶

سال تحصیلی ۹۰ - ۹۱

۹۰ / ۱۲ / ۱۷ چهارشنبه

انشاء عبارت است از :

ایجاد معنا به وسیله «لفظ» در عالم اعتبار عقلایی

به این معنی که : به وسیله لفظ یک فرد حقیقی برای معنای اعتباری حاصل می شود

پس : «القاء لفظ» سبب است برای آنکه عقلاء معنا را اعتبار کنند

پس : انشاء یعنی سبب شدن به وسیله لفظ برای اعتبار عقلایی

فرق این قول با قول مرحوم آخوند :

در قول مرحوم آخوند = لفظ، معنا را در وعاء اعتبار انشایی پدید می آورد

در قول مشهور = در وعاء اعتبار حقیقی پدید می آورد

طبق این بیان : در انشاء، لفظ در معنایی ذهنی استعمال نمی شود
یعنی چنین نیست که :

اول گوینده معنا را در نفس خویش اعتبار کند + بعد لفظ را در آن استعمال کند و از آن اعتبار
نفسانی انشایی خبر دهد + بعد عقلاء از آن لفظ، اعتباری حقیقی را پدید آورند
بلکه : لفظ مستقیماً معنا را در وعاء اعتبار عقلایی ایجاد می کند

گفتیم :

وعاء اعتبار عقلایی چیزی جز ذهن عقلاء نیست
علت آن اعتباراتی که در ذهن عقلاء موجود می شود، «اذهان عقلاء» است
پس : باز هم لفظ، علیت تکوینی برای آن ندارد

گفتیم :

اعتبارات عقلایی حقیقی معمولاً مسبق به اعتبارات عقلایی انشایی هستند
در حالیکه : در این تقریر از بیان مشهور، بدون اعتبار انشایی شخصی، اعتبار حقیقی حاصل می شود

اللهم الا ان يقال :

گوینده هم زمان با القای لفظ، آن معنی را در نفس خویش هم اعتبار می کند

لذا پیش از اعتبار حقیقی، اعتبار انشایی موجود می شود

پس : لفظی که هم زمان با القای آن، اعتبار انشایی هم موجود می شود

و موضوع می شود برای اینکه عقلاء در اذهان خودشان، آن معنی را اعتبار کنند.

اگر چنین گفتیم، مبنای مشهور قابل پذیرش است.

جملات انشایی وضع شده اند برای آنکه از یک امر نفسانی، خبر دهند
ولی : این خبر دادن به این نیت نیست که از آن حکایت کنند
بلکه : برای آن است که عقلاء با اطلاع از آن، آن امر نفسانی را بپذیرند و اعتبار کنند
جملات انشایی برای ایجاد معنایی در خارج وضع نشده اند.

چراکه:

- اگر : مراد از ایجاد، «ایجاد تکوینی» است : بالبداهه، لفظ چنین موجوداتی را ایجاد نمی کند
 - اگر : مراد «ایجاد اعتباری» است باز هم لفظ، آن را ایجاد نمی کند
- چراکه : اعتبارات انشایی، معلول نفس گوینده است
و نفس گوینده برای چنین ایجاد، محتاج لفظ نیست

پس :

لفظ : آن اعتبار انشایی را ابراز می کند و اعتبارات در اختیار اعتبار کننده است
و لفظ صرفاً بیان کننده آن است

وضع عبارت است از «تعهد و التزام نفسانی»
جملات انشایی : وضع شده اند برای ابراز امر نفسانی خاص [اعتبار انشایی]

یعنی :

هر متکلمی متعهد شده است که وقتی می خواهد اعتبار انشایی خود را ابراز کند، به این جملات تکلم کند.

مثلا : وقتی گوینده تصور می کند که «ملکیت اعتبار شده» را ابراز کند، از جمله «بعث» استفاده می کند

پس فرقی بین جمله انشایی و خبری نیست

و هر دو در آنکه مبرز یک چیز هستند و هر دو دارای وضع هستند، یکسان می باشند

تنها فرق آن ها :

جملات انشایی وضع شده اند که بگویند : گوینده این امور انشایی را اعتبار کرده است

جملات خبری وضع شده اند که بگویند : متکلم قصد حکایت از واقع و نفس الامر دارد

جملات انشایی وضع شده اند که از حقایق موجود در نفس حکایت کنند

مثلاً : «افعل» وضع شده که از اراده موجود در نفس گوینده خبر دهد.

پس : وقتی متکلم می گوید «اضرب زیداً» و در عین حال گوینده «زدن زید را» اراده کرده است؛ این

جمله در معنایش استعمال شده است

ولی : وقتی که این لفظ را گفت ولی «زدن» را اراده نکرده بود، می گوئیم این لفظ در معنایش استعمال نشده است.

حال : وقتی معنا را اراده کرد [اعتبار انشایی] و لفظ را در آن معنی استعمال کرد :

یک عنوان دیگر از این استعمال [حکایت] انتزاع می شود به نام «وجوب»؛ این عنوان پیش از آن

موجود نبود